**٦٨ - شرط رضاء ابوین**

و نیز در کتاب اقدس است قوله عزّ و علا : " انّه قَدْ حُدِّدَ فی البیان بِرضاء الطّرَفَین اِنّا لمّا اَرَدْنا المَحَبَّة و الوداد و اتّحاد العباد لذا عَلَّقناهُ باذن الابوین**[[1]](#footnote-1)** بَعْدَ هُما لئلّا تقع بینهم الضّغینة و البغضاء و لنا فیه مآرب اخری کذلک کان الامر مقضیّاً "

و در لوحی است قوله الاعلی : " امر معلّق برضایت طرفین و ابوین و در صورت عدم حضور ابوین برضایت ولیّ طرفین منوط است و آنچه را هم طرفین عهد نموده‌اند باید وفا نمایند "

و درر رساله سوّال و جواب است : " و امّا در فقرهٴ تزویج در ارض سرّ تفصیلی نازل خلاصه آن بیان آنکه برضای طرفین اوّلاً و اطّلاع والدین ثانیاً کذلک قضی الامر من القلم الاعلی انّه لهو الغفور الرّحیم . سؤال معلّق بودن امر تزویج برضایت ابوین از طرف مرد و زن هر دو لازم یا از یک طرف کافی است و در باکره و غیرها یکسان است یا نه . **جواب** : تزویج معلّق است برضایت پدر و مادر در مرء و مرأة و در باکره و دون آن فرقی نه "

و از حضرت ولی امر اللّه است قوله المطاع: " اجرای مراسم بهائی مشروط برضایت والدین طرفین است چه بهائی و چه غیر بهائی اگر چنانچه یکی از ابوین راضی نباشد عقد بهائی غیر مشروع و اجرای آن غیر ممکن "

و قوله الفصل : " در هر حال رضایت ابوین لازم و واجب تأویل در این مقام جائز نه و انحراف مخلّ در نظم الهی و حکم کتاب اللّه است "

و قوله الصّریح : " رضایت ابوین شرط و واجب چه بهائی و چه غیر بهائی امتیاز و استثناء جائز نه آنچه امر حضرت عبدالبهاء است باید بتمامها اجرا گردد .... و در صورت عدم اطّلاع مسؤول نیستند "

و در خصوص ازدواج یکی از بهائیان عشق آبادی قوله الاکید : " باید تأمّل نمایند و به جمیع وسائل متشبّث شوند و با والدین مخابره نمایند زیرا تحصیل اجازهٴ آنان واجب و لازم ادنی مساهله و مسامحه در اینموارد اساس نظم الهی را متدرّجاً متزعزع سازد و در شریعة اللّه رخنه اندازد و علّت توهین امر اللّه و تقهقر جامعه گردد "

و قوله النّافذ العدل : " اگر چنانچه بکلّی از پدر و مادر بیخ‌بر تحصیل رضایت غیر ممکن ولی اگر چنانچه اطّلاع یابند تحصیل اجازت واجب و جزئیّات این موضوع بالمال راجع بامنای بیت العدل اعظم است و قضاوت در وقت حاضر راجع بمحافل ملیّهٴ روحانیّه "

1. در فقه اسلام صغیره و مجنونه و بالغه سفیهه و نیز ذکور آنها بولایت پدر و جدّ و بنده و کنیز بولایت مولی و آنکه فاسد العقل یا سفیه بالغ شود بولایت حاکم و وصی ازدواج میشوند. [↑](#footnote-ref-1)